

ماهنامه

جوانانهای

اجتماعی
فرهنگی
ورزشی

• آبان ماه ۱۴۰۲ • شماره ۱۴ • سال پنجم

• ۸ صفحه • ۳۰۰۰ تومان



غم فلسطین

حضرت زینب (س)
الگوی حیا، عفت و فداکاری

• زنگ ورزش؛
زنگ تفریح نیست!

• روایت تاریخ زنانی که
در کاشمر «دق» کردند!

• فایبینگ چیست؟
چگونه روابط اجتماعی و
شخصی ما را تهدید می کند؟



حقوقی که پایمال
می شود!



هنر خوشنویسی
کار دل است

یادداشت



● به قلم زهره احمدی
مدیر مسئول

اگرچه اوضاع حقوق دانش‌آموزان بر روی کاغذ خوب است، اما در واقعیت و میدان اجرا اوضاع چندان هم خوب نیست و مصادیق بی‌توجهی به حقوق دانش‌آموز در بخش‌های مختلف بی‌شمار است.

بی‌توجهی به حقوق دانش‌آموز تنها به مسئله تنبیه‌بدنی ختم نمی‌شود و دایره شمول آن گسترده‌تر از این‌هاست؛ مسائلی که بسیاری از آنها در اثر سیاست‌گذاری‌های نادرست مسئولان و گاه تلاش برای صرفه‌جویی رقم خورده و حالا شرایط مدارس دولتی را در وضعیتی قرار داده که دست آخر نتیجه آن تضییع حقوق دانش‌آموز و محرومیت او از شرایط تحصیل کیفی است. دانش‌آموزانی که حالا به نوعی مجبورند در کلاس‌های درسی که جمعیت دانش‌آموزان

حاضر در آن بسیار بالاتر از استانداردهای تعریف شده است، درس بخوانند آن هم در شرایط دشواری همچون نشستن در کلاس درس فرسوده!

۳۰ درصد دانش‌آموزان کشور در مدارس نایمن درس می‌خوانند، شاید بازی کردن در حیاط مدرسه یکی از ابتدایی‌ترین حقوق دانش‌آموزان دبستانی باشد اما فضای حیاط مدرسه و حجم انبوه دانش‌آموزان به گونه‌ای است که این حق هم از آنها سلب می‌شود و مدیر یا معاون مدرسه دائم در حال تذکر که دودیدن ممنوع!

از سوی دیگر باید توجه داشت که هم‌اکنون میانگین سرانه فضای آموزشی در کشور به ازای هر دانش‌آموز کمتر از سرانه استاندارد است.

بحران کمبود معلم که در نهایت باعث زیر پا گذاشتن شاخص‌های کیفی در مدارس دولتی شده در کنار بی‌توجهی به استانداردهای جذب معلم، از موارد اصلی در بی‌توجهی به حقوق دانش‌آموزان می‌باشد.

حقوقی که پایمال می‌شود!

تحمیل نیروهایی به آموزش و پرورش که بسیاری از آنها استانداردهای لازم برای شغل معلمی را ندارند ظلم مضاعفی است که به حق دانش‌آموز می‌شود! باید دقت داشت هرگونه اختلال در روند جذب نیروهای باتalکیزه و قوی برای ورود به شغل معلمی می‌تواند «پاشنه آشیل» موفقیت نظام تعلیم و تربیت کشور باشد.

ساعات فوق برنامه که به بهانه آمادگی بیشتر دانش‌آموزان در دروسی همچون ریاضی، فیزیک و... در انواع مدارس طراحی می‌شود بی‌آنکه به علائق و استعداد دانش‌آموزان در زمینه‌های

مختلف هنری، علمی و ورزشی توجه شود و دست آخر خانواده‌ها باید هزینه‌های کلاسی را به ویژه در پایه دوازدهم برای کلاس‌های فوق‌العاده پرداخت کنند آن هم با این امید که فرزندشان در کنکور پذیرفته شوند.

این‌ها تنها بخشی از مصادیقی است که در بحث حقوق دانش‌آموزان در نظام

آموزش و پرورش کشور مطرح است و در سایه سیاست‌گذاری‌های نادرست دولت‌ها، اوضاع شاخص‌های کیفی در مدارس با افت مشهود مواجه شده است که تمام این موارد در نهایت به زیان دانش‌آموز تمام خواهد شد.

شاید عده‌ای کتمان حقیقت را ترجیح دهند اما این قابل انکار نیست که بسیاری از مدارس به علت نادیده گرفتن حقوق دانش‌آموزان به محیط‌هایی نهم‌چندان دلچسپ تبدیل شده‌اند و در کنار کمبود امکانات، عرصه بر دانش‌آموزان تنگ‌تر شده است و در این میان هم مشخص نیست چه بلایی بر سر منشور حقوق دانش‌آموزی در هفت فصل با ۵۴ ماده آمده است! و این منشور فراتر از روی کاغذ رنگ اجرا را به خود دیده است؟!



غم فلسطین

فاطمه نانی‌زاد

مصدر اخبار غم، فلسطین است
معسبت از قبله نخستین است

صوت قرآن به گوش می‌آید
چه صدایی...! چقدر غمگین است

شاخه‌های شکسته زیتون
آیه‌ها، آیه‌های والتین است

کوچه‌ها در روایت فتح‌اند
خانه‌هایی که طور سینین است

دست‌ها در تلاطم فریاد
چشم‌ها خوشه‌های پروین است

کودکان زخم‌خورده و معصوم
مکر اهریمنان چه ننگین است

آتش و دود، خون و خاکستر
صورت خاک خسته، پرچین است

صبح صادق دمیده خواهد شد
شب پایانی شیاطین است

میرسد آن امان جان و جهان
مرد موعود قصه‌ها این است



حضرت زینب (س) الگوی حیا، عفت و فداکاری



● فاطمه مجیدی

بستگان و سایر شهدا، و به اسارت رفتن در کوفه و شام) ام‌المصائب نیز لقب داده‌اند.

فن سخنوری

سخنان و خطبه‌های حضرت زینب (س) در کوفه و همچنین در دربار یزید که همراه با استدلال به آیات قرآن بود، بی‌انگیزه دانش آن حضرت است. سخنوری وی برای شنوندگان، یادآور خطبه‌های پدرش امیرالمؤمنین (ع) بوده است. سخنانش در کوفه و مجلس یزید و نیز گفت وگوهای وی با عبیدالله بن زیاد، بی‌شباهت به خطبه‌های امام علی (ع) و خطبه فدکیه مادرش حضرت زهرا (س) نیست.

حجاب و عفت

دربار حجاب و عفت ایشان در تاریخ این چنین آمده است: هنگامی که حضرت زینب (س) می‌خواست به مسجد النبی کنار قبر رسول خدا (ص) برود، امام علی (ع) دستور می‌داد، شب برود. به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) می‌فرمود: همراه خواهرشان باشند. امام حسن (ع) جلوتر و امام حسین (ع) پشت سر، زینب در وسط حرکت می‌کردند. آنان از سوی مولای متقیان مأثور بودند که حتی چراغ روی مرقد

منور پیامبر (ص) را خاموش کنند تا چشم نامحرم به حضرت زینب (س) نیفتد. یحیی مازنی می‌گوید: من در مدینه، مدت زیادی همسایه حضرت علی (ع) بودم. سوگند به خداوند در این مدت، هرگز حضرت زینب (س) را ندیدم و صدایش را نشنیدم.

صبر و استقامت

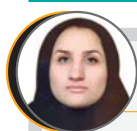
حضرت زینب (س) در روز عاشورا، هنگام دیدن پیکر خونین برادرش چنین گفت: بار خدایا! این اندک قربانی و کشته در راه خودت را از ما (خاندان پیامبر) بپذیر. وی بارها جان امام‌سجاد (ع) را از مرگ نجات داد؛ از جمله در مجلس ابن‌زیاد، پس از احتجاج امام سجاد (ع) با ابن زیاد، وی دستور کشتن امام را صادر کرد. در این هنگام حضرت زینب (س) دست در گردن فرزند برادر انداخت و فرمود: تا زنده‌ام، نخواهم گذاشت او را بکشید.

عبادت و نیایش

عبادت غرض اصلی آفرینش است و امام معصوم سمبل و تجلی این غرض؛ هرچه یک انسان عابدتر باشد، با حرکت آفرینش هماهنگ‌تر و با معصوم مانوس‌تر می‌شود. شاید

علت انس حضرت زینب (س) با برادرش امام حسین (ع) جلوه‌ای از این عبادت باشد. از امام سجاد (ع) نقل شده است: عمه‌ام زینب در مسیر اسارت از کوفه به شام هم فریاض و هم نوافل خود را به جای می‌آورد و غفلت نداشت. فقط در یکی از منازل به خاطر شدت ضعف و گرسنگی، نشسته نماز خواند که بعد معلوم شد، سه روز است غذا میل نکرده؛ زیرا به هر اسیر شانه‌روز یک قرص نان می‌دادند و عمه‌ام سهمیه خود را بیشتر اوقات به بچه‌ها می‌داد. حضرت زینب کبری (س) شب‌ها به عبادت می‌پرداخت و در دوران زندگی، هیچ‌گاه نهج را ترک نکرد. آن چنان به عبادت اشتغال ورزید که ملقب به «عابدۀ‌الله علی» شد. شب زنده‌داری وی حتی در شب دهم و یازدهم محرم، ترک نشد. فاطمه دختر امام‌حسین (ع) می‌گوید: در شب عاشورا، عمه‌ام پیوسته در محراب عبادت ایستاده بود، نماز و نیایش داشت و پیوسته اشک‌هایش سرازیر می‌شد.

ارتباط حضرت زینب (س) با خداوند آن‌گونه بود که امام‌حسین (ع) در روز عاشورا هنگام وداع، به خواهرش فرمود: خواهرم، مرا در نمازهای شب، فراموش نکن.



● سمیه سلیمانی
کارشناس ارشد روانشناسی بالینی

مهارت‌های زندگی (روابط بین فردی)

درد بر فرزندان و آینده‌سازان دیار ترشیز در شماره‌های پیشین شما عزیزان را با مهارت‌های خودآگاهی و همدلی از سری مهارت‌های زندگی تا حدودی آشنا کردیم. اکنون در این شماره از ماهنامه به مهارتی تحت عنوان روابط بین فردی (نحوه تعامل و گفتگو با دیگران) می‌پردازیم.

هر انسانی در روابط اجتماعی خود حقوق و مسئولیت‌هایی دارد. آنچه برای شما حق است برای دیگران نیز حق است. همان‌طور که دیگران باید برای حقوق شما احترام قائل شوند، شما نیز باید به حقوق دیگران احترام بگذارید. به‌عنوان مثال اگر شما حق دارید به درخواست‌های غیرمنطقی و مشکل‌ساز دیگران «نه» بگویید، دیگران نیز حق دارند به درخواست‌های شما «نه» بگویند. پذیرش این پاسخ به معنای احترام گذاشتن به حقوق افراد برای «نه» گفتن است.

توجه داشته باشید همه این حقوق دوجانبه است و شما در کنار حقوق، مسئولیت هم دارید. شما می‌توانید تصمیم اشتباه بگیری ولی باید مطمئن شوید که تصمیم شما به حقوق دیگران لطمه نزند و مسئولیت تصمیم خود را بر عهده بگیرید و دیگران را سرزنش نکنید. در این چهارچوب ما حق داریم اشتباه کنیم.

حال وقت آن رسیده تا شما عزیزان را با پارهای از این حقوق آشنا کنیم.

حقوق، در روابط اجتماعی و بین فردی:

- من حق دارم خودم برای زندگی‌ام تصمیم بگیرم.
- من حق دارم با احترام با من برخورد شود.
- من حق دارم به درخواست‌های نامعقول دیگران نه بگویم.
- من حق دارم اشتباه کنم و مسئولیت اشتباه خود را بپذیرم.
- من حق دارم نظرم را تغییر دهم.
- من حق دارم برای بررسی تقاضاهای دیگران وقت صرف کنم.
- من حق دارم تقاضاهای منطقی از دیگران داشته باشم.
- من حق دارم دیدگاه شخصی خودم را درباره موضوعات داشته باشم.
- من حق دارم زندگی خودم را کنترل کنم.
- من حق دارم احساسات مثبت و منفی خودم را بیان کنم.
- امیدواریم در این شماره توانسته باشیم گامی در جهت بهبود روابط بین فردی و اجتماعی که لازمه بهزیستی و ارتقاء سطح کیفی زندگی و مهارت‌های اجتماعی است، برداشته باشیم.

قاعده‌های بازی زندگی:

همه چیز بیاموز، همه چیز بخوان، در همه چیز کندها و کوندها



از گذشته دور تا به حال زنگ ورزش آن‌طور که باید و شاید در بین والدین و معلمان جدی گرفته نشده است. جایی که نگاه درستی به مقوله ورزش دانش‌آموزی وجود نداشته و جز تعداد اندکی از پسران و دخترانی که ذاتاً به ورزش علاقه‌مند هستند و به‌طور حرفه‌ای‌تر به این مقوله نگریسته‌اند، غالب دانش‌آموزان آن‌را به‌عنوان یک تفریح و سرگرمی تلقی کرده‌اند. در این بین آموزش‌های لازم در ورزش دانش‌آموزی که به‌نوبه خود لازم و ضروری است، انجام نگرفته و برنامه اصولی و کاربردی در این خصوص وجود ندارد. با این مقدمه نگاهی به شرایط و باید و شاید‌های زنگ ورزش می‌اندازیم:

اغلب مدارس بسیار اندک بوده و به چند توپ و شاید چند وسیله بدن‌سازی و غیره بسنده شده است. همین مقدار تجهیزات نیز به نسبت جمعیت دانش‌آموزان بسیار ناچیز بوده و در فرصت اندک زنگ ورزش مورد استفاده درست دانش‌آموزان قرار نمی‌گیرد.

راهکار صحیح

اولین راهکار تدوین کتاب ورزش و مشق شب است. آموزش تئوری مهارت‌های ورزشی جهت نهادینه شدن این مقوله ضروری به نظر می‌رسد. در مرحله دوم باید به نقش والدین که به خصوصیات فرزند خود آشنایی بیشتری دارند، اشاره کرد. «به‌جز اندکی از والدین که تمایل ویژه‌ای به ورزش فرزندان خود دارند، مابقی نگران‌اند که حادثه‌ای ناگوار در زنگ ورزش برای دانش‌آموز به وجود نیاید و همین‌که فرزندشان به سلامت به منزل رسیده است راضی و خشنود هستند.» راه کار سوم «نظام آموزشی کارآمد ورزش دانش‌آموزی» است که سلامت را در نظر می‌گیرد و نگاه ویژه‌ای به ورزش حرفه‌ای دارد. نظامی که قدم اول استعدادیابی را از مدارس برداشته و با پرورش و آموزش معلمان متخصص، سعی دارد آینده ورزش کشور را تضمین نماید.

دانش‌آموزان و جلب‌توجه آنان به مقوله ورزش محتاج دقت و تخصص ویژه است. دانش‌آموز امروزی که نسبت به دهه‌های گذشته کم‌تحرك و گاهی ورزش گریز شده، مجال پرداختن و اندیشیدن به علایق ورزشی خود را ندارد. از طرفی در عصر دیجیتال و باوجود وسایل و فضاهای ریزدردشت مربوط به آن مجال اندیشیدن به مقوله ورزش کمتر از گذشته وجود دارد. در حقیقت ورزش از حرکت و تکاپو به دیدن و هیجان تغییر مسیر داده است. در یک برنامه دقیق می‌توان علایق واقعی را استخراج کرد و با آموزش صحیح انگیزه را افزایش داد و فرصت پیشرفت داد.

امکانات ناقص

در همان فضاهای نامناسب و یا کمتر مناسب، امکانات درست و کافی نیز وجود ندارد. با ذکر این نکته که ایران از اقلیم‌های گوناگونی برخوردار می‌باشد و شایسته است جهت کاهش اثرات نامطلوب آب و هوایی که ناشی از عناصر اقلیمی از قبیل: تابش شدید آفتاب، سرما، باد و باران می‌باشد، طراحی ساختمان و حیاط مدارس به‌گونه‌ای رقم بخورد که هماهنگ با اقلیم منطقه باشد. باید گفت: امکانات ورزشی



زنگ ورزش؛ زنگ تفریح نیست!



● حسن صانعی‌پور
روزنامه‌نگار

فضای نامناسب

دانش‌آموزان از وظایف معلمان ورزش است. اپیدمی فوتبال باعث شده که علایق کاذبی در این خصوص ایجاد و همواره تعداد زیادی از دانش‌آموزان در قالب دو تیم بدون کنترل‌های لازم مشغول به بازی هستند. «در این بین شاید استثنائاتی هم وجود داشته باشد» اما آنچه از خروجی اکثر آنان دیده می‌شود، کشف چند بازیکن مستعد در چند رشته خاص برای تشکیل تیم مدرسه است. این در حالی است که پیش‌نیاز برگزاری مفید درس ورزش، تفکیک دانش‌آموزان بر اساس توانایی‌های آنان بوده تا شرایط برای ورود و پیشرفت در ورزش موردعلاقه‌ای که در آن توانایی دارند فراهم گردد. مهارت‌هایی که باید با شیوه‌های علمی پرورش‌یافته تا دانش‌آموز را آماده ورود به مراحل جدی‌تر ورزش کرد.

انگیزه‌ها و علایق

قدر مسلم این‌که ورزش در بین جامعه دانش‌آموزی همچون دیگر جوامع در خصوص میزان علایق، متفاوت است. با اشاره به این‌که مقوله ورزش در عصر حاضر به علت ظهور پدیده‌های جدید، جدی و ضروری به نظر می‌رسد. «زیرا سمت و سوی علایق تغییر کرده است؛ باید گفت: بررسی رفتارها، و پس زمینه‌های فکری

متأسفانه به دلایل عده هرساله فضای آموزشی مدارس کوچک‌تر شده و بسیاری از کلاس‌های موجود استاندارد نیست. در این بین محیط مربوط به ورزش بسیار نامناسب بوده و بعضی از مدارس از سالن‌های ورزشی به‌عنوان محیط ورزش دانش‌آموزان استفاده می‌کنند. سالن‌هایی که غالباً فاقد حداقل‌های موجود بوده و امکان لازم را به معلمان ورزش جهت ارائه آموزش نمی‌دهد. از طرفی کمبود فضای مناسب ورزشی در برخی مدارس، به‌خصوص مدارس غیرانتفاعی که غالباً استیجاری بوده و دانش‌آموزان مجبور هستند زنگ ورزش را صرفاً به یک رشته ورزشی پرداخته و تعدادی به علت همان محدودیت فضا امکان پرداختن به ورزش را ندارند و موجب برخوردهایی بین شاگردان می‌شود، اولین معضل مربوط به درس ورزش در مدارس محسوب می‌گردد.

مهارت‌ها و توانایی‌ها

شناخت مهارت‌ها و توانایی‌های



گفتگو با خوشنویس نوجوان شهرمان؛

هنر خوشنویسی کار دل است

خوشنویسی و خط خوش نوشتن شاید علاقه بسیاری از ما در دوران نوجوانی باشد. علاقه‌ای که عده‌ای دنبالش رفتیم اما در سختی‌های راه به خط نیمه خوش‌مان پسندیدیم و کنارش گذاشتیم تا سرمشق‌های آن دوران حالا گوشه‌ای از یادگاری‌های کاغذی کمد و صندوقچه خاطرات‌مان شود؛ ولی افراد اندک این هنر را ادامه داده درجه‌اسنادی و ممتازی را کسب کردند و از هنر خوشنویسی خود، لذت بردن تا تنهایی و زمزمه کردن با خدا را تجربه کنند. خوشنویسی، سال‌های زیادی در کاشمر با حضور اساتید بزرگی همچون حاتمی، دربان حسینی، حمیدی، فانی و بسیاری دیگر راه پرفراز و نشیب خود را به‌آرامی و به دور از هیچ جنجالی سپری می‌کند. در همین رابطه فرصتی دست داد تا با یکی از کم‌سن و سال‌ترین خوشنویسان این شهر که توانسته در سن ۱۴ سالگی به درجه ممتازی برسد به گفتگو بنشینیم، با این امید که گفتگو با هنرمند این عرصه کمکی به اعتلای هنر خوشنویسی باشد.



● غلامحسین دیباغ

هنوز سربزه‌زیر و کم‌حرف است. در گفتگو با او به‌زور توانستم کلمه‌های از زیر زبانش بیرون بکشم. وقتی سوآلی از او می‌پرسم با صدای آرامی جواب می‌دهد. او خود را «علی صادقی» که تاکنون ۱۴ سال از بهترین روزهایش را سپری نموده، معرفی می‌کند، و از شروع علاقه‌اش به خوشنویسی می‌گوید: ۴۰ روز از شروع مدرسه نگذشته بود که وارد کلاس اول شده بودم. معلم وقتی خط من را دید پدر و مادرم را به مدرسه خواست و به آن‌ها گفت: پیگیر خوش‌خطی من باشند تا ختم بهتر از این شود و بتوانم از این استعداد بیشتر استفاده کنم. وی افزود: هرچند پدر و مادرم تصمیم

داشتند در چند آموزشگاه خطاطی ثبت‌نام کنند، ولی همه می‌گفتند هنوز سن کمی دارم! تا این‌که یک روز پدرم دفتر مشق‌م را به استاد فانی نشان می‌دهد و او می‌خواهد با توجه به استعدادم حتماً مرا برای آموزش ثبت‌نام کنند. علی که در کنار هنر خوشنویسی به هنر رزمی هم علاقه بسیاری دارد و اکنون در رشته کاراته دارای کمربند سبز است؛ ادامه داد: از ابتدای شروع به کارم فقط استاد فانی در کنار و همراه من بودند، پس از این‌که یک دوره خط تحریر کار کردم شروع به فراگیری خط نستعلیق نمودم و پس از مدت کوتاهی توانستم در مسابقات مختلف شهرستان، استان و کشور نیز شرکت کنم. صادقی عنوان کرد: بیشتر مسابقاتی که شرکت می‌کردم با همراهی استادم و حمایت‌های پدر و مادرم بوده که در

موفقیت‌هایم شریک هستند. این هنرمند خوشنویس با اشاره به این‌که در دوران کرونا به‌صورت مجازی با استادم در ارتباط بودم و تمرین می‌کردم، افزود: اکنون حدود ۴ تا ۵ ساعت در روز تمرین دارم، بعضی از هم‌کلاسی‌هایم از من تقاضای خطاطی می‌کنند و تعدادی نیز علاقه‌مند به به هنر شده و در دوره‌های آموزش شرکت می‌کنند. صادقی که در بیش از ۴۰ مسابقه و جشنواره تاکنون شرکت کرده و توانسته مقام‌های خوبی کسب کند، عنوان کرد: سال ۱۴۰۰ توانستم مقام ممتازی خوشنویسی را کسب کنم که این رتبه، معادل لیسانس هنری است. وی با اشاره به این‌که امسال برای اولین‌بار توانستم با توجه به شرایط سنی در جشنواره هنرهای تجسمی جوانان ایران شرکت کنم، گفت: در بخش خوشنویسی زیر ۲۰ سال این جشنواره با ارسال ۱۰ اثر به جشنواره در بین ۱۴ نفر اول هنرمندان کشور،

به‌عنوان تنها نماینده خراسان رضوی توانستم حائز مقام شوم. این هنرمند خوشنویس افزود: امسال در جشنواره مریوان نیز که با حضور ۱۵۴ برگزیده کشوری برگزار شد در بین ۵۴ نفر اولی قرار گرفتم که آثارم در نمایشگاه ارائه و حتی به دعوت آن‌ها جزو ۲۰ نفر حضوری نویسی بودم که در نهایت جزو ۵ نفر برتر قرار گرفتم. وی در ادامه با اظهار تأسف از این‌که بسیاری از پسران هم سن و سال من بیشتر وقت خود را درگوشی موبایل و کامپیوتر می‌گذرانند و به هنر کمتر اهمیت می‌دهند، گفت: گرچه نباید منکر توسعه و پیشرفت از طریق کامپیوتر شد ولی من بیشتر وقت خود را به درس، هنر و گاهی شعرنویسی سپری می‌کنم. صادقی دلیل این‌که دانش‌آموزان کمتر به هنر علاقه دارند را در معرفی نشدن درست هنرمندان و کم‌اهمیتی جامعه به این قشر دانست و گفت: هنرمندان در همه عرصه‌ها مظلوم واقع شده‌اند و

بسیاری از هزینه‌ها را خودشان تأمین می‌کنند. وی تصریح کرد: با توجه به این‌که من دانش‌آموز هستم، ولی تاکنون فقط توسط شهرداری مراسمی برای هنرمندان برگزار شده است، حتی لوح‌های تقدیر استانی و کشوری که یکی از پیش‌نیازهای مهم برای شرکت در آزمون‌های ممتاز و فوق ممتاز هستند را خودم پیگیری بودم تا به دستم برسد، متأسفانه گاهی چندین ماه این لوح‌ها به کاشمر می‌رسید ولی تحویل من نمی‌دادند. صادقی خاطرنشان کرد: همه کار ما دلی است و با توجه به این‌که این هنر هزینه‌های بسیار بالایی دارد، بسیاری از هنرمندان انگیزه‌ای برای ادامه کار ندارند. وی در پایان به هم سن و سالان خودش توصیه نمود: حتماً هنری یاد گرفته و در آن راه تلاش کنند، یکی از این هنرها، هنرهای تجسمی است که زیبایی دیگری دارد و عشق و علاقه را در فرد دوچندان می‌کند.

فایبینگ چیست؟

چگونه روابط اجتماعی و شخصی ما را تهدید می‌کند؟



● الهام نظام آبادی

وقتی از سرکار خسته به منزل بر می‌گردید و سر میز یا سفره شام همسر یا فرزند شما سرش را در گوشی تلفن همراهش کرده و با کلمات مبهم به شما پاسخ می‌دهد گرفتار فایبینگ هستید. وقتی در مهمانی‌ها و دورهمی‌های دوستانه یا فامیلی بعد از سلام و احوالپرسی اولیه هر کس به گوشی همراهش مشغول می‌شود، گرفتار فایبینگ هستید. وقتی که در روابط عاطفی و زناشویی با شریک یا همسر خود به کافه رفته‌اید یا در منزل نشست‌اید و یکی از شما مدام گوشی تلفنش را چک می‌کند، گرفتار

«فایبینگ» شده‌اید. یک مطالعه نشان داد که بیش از ۱۷ درصد افراد حداقل چهار بار در روز در حضور دیگران و به هنگام صحبت با آن‌ها دزدکی تلفن‌شان را چک می‌کنند. تقریباً ۳۲ درصد افراد نیز دو تا سه بار در روز فایبینگ می‌کنند. اگرچه شاید این رفتار چیز مهمی به نظر نرسد، اما تحقیقات نشان می‌دهد که فایبینگ می‌تواند به روابط و سلامت روان شما آسیب برساند. **فایبینگ (Phubbing) چیست؟** عمل نادیده گرفتن کسی که با شما صحبت می‌کند با توجه و نگاه کردن به تلفن همراه خود، یا به عبارت ساده‌تر: بی‌اعتنایی به دیگران با نگاه کردن به تلفن همراه. **نیروی محرک این احساسات چیست؟** فایبینگ ۴ نیاز اساسی انسان را تهدید

می‌کند این نیازهای اصلی عبارتند از: احساس تعلق داشتن، اعتمادبهنفس، زندگی معنادار، احساس کنترل داشتن. وقتی کسی پیش شما با تلفنش مشغول می‌شود، شما ممکن است احساس طردشدن و محروم شدن از مصاحبت او را بکنید. این می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر سلامت روان شما داشته باشد. تحقیقات هم‌چنین نشان می‌دهد افرادی که دچار فایبینگ هستند، تمایل زیادی دارند تلفن‌شان همیشه در دسترس باشد تا با رسانه‌های اجتماعی ارتباط برقرار کنند و به این وسیله خلأ ارتباط حضوری یا رو در رو را پر نمایند. این شروع یک چرخه معیوب است. سه نشانه دچار بودن به فایبینگ به این شرح است: هم‌زمان دو مکالمه

دارید، یکی از طریق تلفن و یکی با شخص روبروی‌تان. شما به احتمال زیاد هیچ‌کدام از این دو مکالمه را با موفقیت انجام نمی‌دهید و مطمئناً فایب «Phub» (دچار فایبینگ) هستید. سرمیز یا سفره غذا یا دیگر موقعیت‌های اجتماعی با تلفن خود مشغول می‌شوید. قرار دادن تلفن کنار بشقاب غذا علامت هشدار است که نشان می‌دهد به‌زودی ارتباطات خانوادگی‌تان دچار اختلال خواهد شد. یادتان باشد، حتی لازم نیست تلفن خود را در حین مکالمه لمس کنید تا روی رابطه شما تأثیر منفی بگذارد! یک مطالعه نشان داده است که تنها وجود تلفن در دستان یا کنار شما باعث می‌شود همسر، فرزند، خانواده یا دوستان و همکاران‌تان کمتر با شما ارتباط برقرار کنند. بدون چک کردن تلفن

نمی‌توانید شام، نهار یا صبحانه‌تان را تمام کنید. این نشانه‌ای از دلهره و ترس واقعی در شماست. ترس از دست دادن تماس، پیام یا پست جدیدی در شبکه‌های اجتماعی. سهرای برای جلوگیری از فایبینگ شدن: ۱- غذای‌تان را بدون تلفن بخورید ۲- تلفن را از دسترس خود دور کنید ۳- خود را به چالش بکشید.



شهر بازی سرپوشیده

شهر بچه ها

KIDS TOWN



- ✓ سالن زیبای جشن های تولد، کافی شاپ
- ✓ انواع وسایل بازی مناسب سنین مختلف
- ✓ بازی های واقعیت مجازی

۰۹۱۵۵۳۲۶۷۹۱



shahre.bacheha.kashmar



در گوگل مپ جستجو کنید:



کاشمر، بلوار جانبازان، (شهرک نیمه صنعتی)
سمت راست کلانتری ۱۱، بلوار صنعتگران



نگاهی به دلایل اختلاف

عروس‌ها و مادرشوهرها



با عروس‌های‌شان را «پر تنش»، «سخت» و «تاراج‌کننده» دانسته‌اند. تعداد کمی از مادرشوهرها، عروس‌ان خود را دوستی خوب و «ازنین» یا خوب مثل دختر خودم دانسته‌اند. دامادها عمدتاً پسران خود را «دوستی نزدیک» می‌دانند. چنان‌که عروس‌ها هم پدرشوهر خود را این‌گونه توصیف کرده‌اند. از سوی دیگر، پدرشوهرها هم عروس‌های خود را به حد کافی «خوب» دانسته‌اند.

شکایت‌های عروس از مادرشوهر

❖ بی‌احترامی مادرشوهر و به رسمیت‌نشناختن هویت عروس به‌رغم عشق و محبت پسرشان ❖ دخالت‌های نابجا در زندگی زن و شوهر انگار آنها بچه‌اند و مادرشوهر باید آنها را تر و خشک کند. ❖ شرایط ایجاد شده نامساعد در خانواده شوهر ❖ دخالت در نحوه تربیت فرزند و نحوه خانه‌داری او (عروس) ❖ تنش ناشی از خواسته مادرشوهر برای همه چیز در بهترین حالت خود بود.

شکایت‌های مادرشوهر از عروس

❖ عدم درک خصوصیت عروس به خود و رفتار خوش ❖ اشتباه دانستن نظرهای مادرشوهر ❖ اجبار به حرف زدن با او برای راهنمایی ❖ بی‌توجهی به شوهر ❖ بی‌توجهی به زندگی و آشنایی خانه و خانواده ❖ گوش سپردن مدام به حرف‌های مادر و خواهر خودش

سوم ماجرا معمولاً خود را چندان درگیر نمی‌کند، اما دو طرف دیگر یعنی مادرزن یا مادر شوهر و عروس یا داماد سعی می‌کنند حمایت وی را به دست آورند. در حقیقت آنها تلاش می‌کنند ائتلافی به ضرر طرف دیگر شکل دهند! اما چرا بین مادرشوهر و عروس تا حدی کمتر بین مادر زن و داماد اختلاف و تعارض پیش می‌آید؟

می‌دانیم یکی از زیباترین پیوندهای موجود در عالم هستی پیوند بین مادر و فرزند است. از سوی دیگر مادر طی سال‌ها زندگی نوعی احساس هویت خاص در خانه پیدا می‌کند و خانه را بر ارزش‌ها و افکار و سلیقه ویژه خود اداره می‌کند. او عشق فرزندان و همسرش را به خود احساس می‌کند و از سوی دیگر عشق و محبت خود را نثار آنها می‌سازد. به این ترتیب مادر شکلی از نظرات را بر خانه و خانواده اعمال می‌کند. به نظر روان‌شناس‌ها، پسر برای مادر نم‌واره تلاش‌ها و درگیری عاطفی اوست. وقتی می‌بیند که پسرش به سمت زن دیگری رفته یا خود می‌اندیشد که مبادا تأثیرش را بر فرزندش از دست داده باشد، او وجوه این تأثیر را در اطاعت قبلی فرزند از خود در مراقبتی که فرزند از او می‌کرد و در احترامی که به وی می‌گذاشت، می‌بیند و چون احساس می‌کند پسرش دیگر به حد سابق از وی اطاعت نمی‌کند و برایش احترام قائل نیست یا به اندازه کافی از او حمایت

معصومه تقوی

حتماً شنیده‌اید که می‌گویند: «مادرزنم چنین و چنان» یا «مادر شوهرم فلان و بهمان». به نظر می‌رسد که مادرزن و مادرشوهر الگوی قالبی در زندگی مشترک انسان‌ها باشند. گفتیم انسان‌ها و نه ایرانی‌ها، چون این مشکل ظاهراً در بسیاری از جوامع و فرهنگ‌ها به چشم می‌خورد. الگوی قالبی یا به عبارت بهتر، تصویری که از مادرشوهر یا مادرزن در ایران وجود دارد موجودی غالب است که طرف مقابلش یعنی داماد و بیشتر عروس را مغلوب و مطیع خود می‌خواهد و از این‌جا در ارتباطات بین عروس یا داماد و مادرشوهر یا مادرزن شکلی از روابط پیش می‌آید که سرانجام به اختلافات بین زن و شوهر می‌انجامد.

دعوا و اختلاف هم از این‌جا شروع می‌شود که عروس و داماد کلام یا رفتار گفته‌ها و اعمال مادرزن یا مادرشوهر را نوعی دخالت در زندگی خود می‌دانند و رفتار آنها را اهانت به خود تلقی می‌کنند. از طرف دیگر مادرزن یا مادرشوهر هم انتظار دارند که عضو تازه خانواده احترام آنها را نگه دارد و جایگاهی خاص برایشان در نظر بگیرد. اینجا طرف سومی هم وارد ماجرا می‌شود یعنی عروس یا داماد، به این ترتیب در این ماجرا تعاملی سه جانبه وجود دارد: «عروس، داماد و مادرزن یا مادر شوهر». طرف



رها عرفانی

پرسش‌های دخترانه

هرچه دوست دارید درباره بلوغ پرسید

سلام دوستان عزیز این کتاب را به دختران هم سن و سال خودم معرفی می‌کنم. این کتاب نوشته «دکتر کارا ناترسون» و به ترجمه ژاله نوینی و در ۱۰۱ صفحه به چاپ ششم رسیده و در سال ۱۴۰۱ تهیه شده است. این کتاب برای دخترانی که پرسش‌هایی درباره بلوغ دارند مفید است.

۱- پیشاپیش برنامهریزی کن: وقتی پدر و مادرت عجله دارند بیرون بروند موضوعی را مطرح نکن. به‌جای این‌که بخواهی در همان زمان صحبت کنی، یک‌وقتی را برای صحبت کردن تعیین کن. از پدرت بپرس می‌توانی بعد از شام برای قدم زدن بیرون بروی. یا به مادرت بگو دوست داری امشب در شستن ظرف‌های شام و تمیز کردن آشپزخانه به او کمک کنی تا بتوانی در آن فرصت با او صحبت کنی. اگر نتوانستی در زمانی که در نظر گرفته‌ای حرفت را بزنی، از آن‌ها بپرس چه زمانی برای‌شان مناسب‌تر است تا با آن‌ها صحبت کنی.

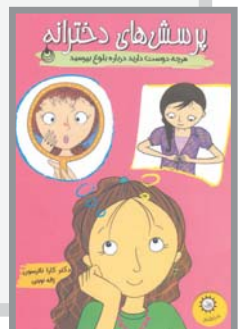
۲- مکان مناسبی انتخاب کن: به یک جای خلوت بروی، جایی که سایر اعضای خانواده صحبت‌شان را قطع نکنند. تلویزیون و موبایل را خاموش کن. اگر از صحبت کردن می‌ترسی، سعی کن موقعی که آن‌ها مشغول رانندگی هستند یا کنار تخت خوابت نشسته‌اند با آن‌ها صحبت کنی.

۳- سخت نگیر: ابتدا درباره‌ی احساسات صحبت کن، برای مثال، «من می‌ترسم» زیرا ممکن است علت ماهیانه من هر لحظه شروع شود». یا «خیلی ناراحتم زیرا همه دوستانم سینه‌بند می‌پوشند، ولی من نمی‌پوشم». درباره‌ی واژه‌هایی که می‌خواهی استفاده کنی از قبل فکر کن و آن‌ها را جلوی آینه تمرین کن تا موقعی که می‌خواهی صحبت کنی، آماده‌تر و راحت‌تر باشی.

۴- روشن و صریح حرف بزنی: از پدر و مادرت دقیقاً چه می‌خواهی؟ توصیهای درباره‌ی یک مشکل؟ می‌خواهی تو را برای خرید سینه‌بند و یا (نوار بهداشتی) به فروشگاه ببرند؟ ۵- منتظر پاسخ بمان: یک نفس عمیق بکش و به پدر و مادرت فرصت بده تا درباره آنچه که گفتی فکر کنند. از آن زمان استفاده کن و به خودت تبریک بگو که توانستی کلمات را به‌خوبی بیان کنی.

۶- یک نقطه‌نظر جدید را هم امتحان کن: اگر جوابی که امیدوار بودی بگیری را دریافت نکردی، سعی کن موقعیتی که پدر و مادرت در آن قرار دارند را درک کنی. آیا آن‌ها نگران تو هستند؟ آیا نگران رشد سریع تو هستند؟ این‌ها سوالات خوبی هستند که برای شروع یک صحبت صادقانه و روراست با پدر و مادرت می‌توانی از آن‌ها استفاده کنی. برای مثال از آن‌ها بپرس، «وقتی شما هم به سن من بودید این احساس را داشتید؟» اگر آن‌ها با تو برای پوشیدن سینه‌بند و یا تراشیدن موهای زایدت موافق نبودند، از آن‌ها بپرس که آیا یکی دو ماه دیگر می‌توانی با آن‌ها در این باره صحبت کنی یا نه.

۷- در دسترس آن‌ها و متصل به آن‌ها باش: همیشه گفتگو با آن‌ها را حفظ کن یک نشانه تعیین کن که به معنی این باشد که نیاز به صحبت کردن داری، مانند بستن یک روبان به دستگیره در اتاق خوابت یا گذاشتن یک عروسک کوچولو روی پیشخوان آشپزخانه. یا یک قرار هفتگی با پدر و مادرت بگذار. اگر نوشتن برایت راحت‌تر است، یک دفترچه یادداشت تهیه کن که مرتب بین تو و پدر و مادرت در گردش باشد. فقط به ارتباط خودت ادامه بده. امیدوارم از این کتاب خوش‌تون بیاید.



عادت‌هایی که سلامتی را تهدید می‌کند

ما انسان‌ها بیشتر مواقع تصورمان بر این است که همه چیز را می‌دانیم و کارهای مان را به درستی انجام می‌دهیم، در حالی که این طور نیست. برای روشن شدن این مساله، لازم است برخی حقایق را بدانیم تا ثابت شود که برخی عادت‌های روزمره مان می‌تواند باعث به خطر افتادن سلامتی مان شود، با آگاهی از واقعیت‌های آنها می‌توان خطرناک بودن شان را دریافت.

خیس کردن ظرف‌ها در سینک

سینک برای رشد باکتری‌ها محیط مناسبی است. از این رو برای پیشگیری از ابتلا به بیماری‌های روده و معده، بعد از هر بار ظرف شستن باید سینک را به خوبی بشویید. خیس کردن ظرف‌ها در سینک ظرفشویی به دلیل این که محیط مناسبی برای رشد انواع میکروب‌هاست عادت خطرناکی است که می‌تواند سلامت تک‌تک اعضای خانواده را تهدید کند.

کیسه‌های چندبار مصرف

کیسه‌های چند بار مصرف نسبت به دیگر کیسه‌ها میکروب زیادی دارند. اگر گوشت خام را در این کیسه‌ها بگذارید، احتمال این که باکتری‌های مضر به سایر خریدهای تان، به خصوص میوه‌ها و سبزیجات نیز سرایت کند، بسیار زیاد است. از این رو توصیه شده در خریدها از کیسه یکبار مصرف استفاده شود یا کیسه‌های پارچه‌ای که بتوان آنها را بعد از هر بار خرد شست.

استفاده از یک تخته برای گوشت و سبزیجات

بر اساس تحقیقات انجام شده، تخته برش ۲۰۰ برابر بیشتر از توالت‌فرنگی باکتری دارد، به همین دلیل نباید روی آن مواد تهیه سالاد را خرد کرد. همچنین بعد از بریدن گوشت خام، تخته حاوی سالمونلا و کامپیلوباکترست، دو عامل شایعی که به مسمومیت غذایی منجر می‌شوند، به همین دلیل برای بریدن گوشت و سبزیجات باید دو تخته جداگانه در نظر گرفت.

شستن دست‌ها با آب داغ

محققان زیادی بر این باورند که دمای آب تأثیری روی کشتن میکروب‌ها ندارد. آنها می‌گویند زمانی که صرف شستن دست‌ها می‌شود، مهم‌تر از داغ بودن آب است، چرا که در ۵ ثانیه و با آب گرم هیچ چیز تمیز نمی‌شود، اما ۳۰ ثانیه شستن دست‌ها می‌تواند همه باکتری‌ها را از بین ببرد.

گذاشتن تلفن همراه داخل کیف دستی

کوله‌پشتی محل مناسبی برای نگه داشتن گوشی نیست. شاید تعجب کنید ولی بهترین جا جیب‌های تان است، چرا که گوشی کمتر آغشته به میکروب می‌شود. تمیز کردن گوشی با دستمال مرطوب می‌تواند به از بین بردن میکروب‌های آن کمک کند.

دوب کردن یخ گوشت

قرار دادن گوشت و ماهی روی میز یا این آشپزخانه عادت مضر است که می‌تواند خطر آفرین باشد. برای پیشگیری از تکثیر میکروب می‌توان یخ گوشت و ماهی را در یخچال آب کرد.



به وقت مصاحبه مردمی:

جوانان سالمند



— سلام

به مخاطبان عزیزی که همراه ما هستند برای یک مصاحبه مردمی پرشور دیگه. مهمان این شماره ما کسیه که تونسته رکورد پیرترین فرد جوان در جهان و هم‌چنین جان‌سخت‌ترین انسان روی زمین رو بشکنه. این فرد به قدری پوست کلفت و مقاوم بوده که امروز و فرداست رکوردش داخل کتاب گینس ثبت بشه.

— سلام، جوان ایرانی هستم، دارنده عنوان پیرترین فرد جوان در کره زمین. پوشنده کفش‌های آهنی و لباس فولادی برای دوام و بقا در این شرایط کنونی.

● بسیار عالی. چرا عنوان پیرترین جوان؟ این پارادوکس از کجا میاد؟ — از معروف‌ترین محققان یکی از دانشگاه‌های بزرگ دنیا با تحقیق روی ژن چند نفر به این نتیجه رسید که درصد زیادی از جوانان ایرانی فقط در ظاهر جوان‌اند و از درون سالمند پیر بیش نیستند!

● شما سن ظاهری تون چقدره؟

— بیست و پنج سال.

● و سن واقعی تون؟

— آخرین بار که تست گرفتن به شصت سالی بود. اما فکر کنم دیروز که دندونم درد گرفت رفتم قیتمای دندان پزشکی رو چک کردم هفتاد

● نویسنده: م. بصیری

بگید. شاید این عینک بدبینی که رو چشما تونه مانع دید مثبت شده!

— حق با شماست. نکات مثبت...

من پس‌انداز خودمو دارم!

● این عالی‌ه. چه برنامه‌ای براش داری؟

— می‌تونم باهاش رو پای خودم

وایستم، لباسای عیدمو خودم

بخرم.

● فقط همین؟

— نه با بقیه‌اشم تصمیم دارم یدونه

از این ساعت لیزری‌ها بخرم.

خیلی باحاله باهاش لیزر میندازم

تو چشم این و اون، سطح نشاط

خانواده بالا میره!

● دیگه چی داری؟

— اعتماد بابامو دارم و ماشینشو.

● بله؟

— ماشین دیگه... ماشین بابام.

خدایا شکر با سن و سالی که دارم

پدرم بهم اعتماد داره و آخر هفته‌ها

سوچ ماشینشو بهم میده تا

برمشون پیک‌نیک، موقع برگشت

هم اگه تابستون باشه اجازه

می‌ده کولر ماشینو روشن کنم.

● همین؟

— به لپ‌تاب و یه گوشی

دارم مال پنج‌سال پیش

که خدایی نکرده زبونم

لال بشه الهی اگه خراب

بشن. تقریباً تمام

دارایی‌های یک

جوان ایرانی به باد

میره. و اما نکته

مثبت! مردم همونم

ندارن.

● خب این جور

● باشه، باشه فهمیدم چی شد!

— بله و این چرخه شیطانی تا ابد

ادامه داره.

● به نظر خودتون راه حل چیه؟

— به لشکر مسئول تونستن راهشو

پیدا کنن، بعد شما از من راه حل

می‌خوای؟

● خوب ببینید شاید یکم بی‌انصافی

می‌کنید، اوضاع اونقدری که می‌گید

بدنیست؟

یکم از نکات مثبت زندگی تون

چگونه و چه زمانی بنزین بزنیم؟

یکی از مهمترین نکات برای بنزین زدن این است که وقتی باک اتومبیل نصفه است بنزین بزنید. دلیل آن این است که هرچه بنزین بیشتری داخل باک باشد، هوای کمتری فضای خالی آن را اشغال می‌کند. بنزین به مراتب سریع‌تر از آن‌چه که تصور می‌کنید تبخیر می‌شود. مخازن ذخیره بنزین دارای سقف داخلی شاور هستند. این سقف به عنوان نقطه صفر بین بنزین و جوع عمل می‌کند تا تبخیر را به حداقل برساند.

نکته دیگری که باید یادآوری شود این است که اگر تانکر بنزین در حال تخلیه به مخزن بنزین باشد و شما هم در جایگاه سوخت باشید، در آن موقع بنزین نزنید، به احتمال زیاد بنزینی که تخلیه می‌شود سبب می‌گردد بنزین داخل مخزن به هم بخورد و آنچه از آشغال و آلودگی که معمولاً ته‌شین می‌شود، بالا بیاید و قسمتی از آن نصب اتومبیل شما شود.

نفت گرانش معین و حرارت بنزین، گاز وئیل و سوخت هواپیما، اتانول و سایر محصولات نفتی نقشی مهم ایفا می‌کند. هرچه درجه حرارت افزایش یابد منفعت زیادی نصیب این صنعت می‌کند، اما جایگاه‌های سوخت دارای دستگاه جریان حرارت در پمپ‌هایشان نیستند. وقتی مشغول بنزین زدن هستید، دستگاه را تا آخر فشار ندهید. اگر نگاه کنید می‌بینید دارای سه درجه است: «کند، متوسط و تند». در حالت کند میزان تبخیر را که در اثر پمپ شدن بنزین حاصل می‌شود به حداقل می‌رسانید. همه شلینگ‌ها دارای محل بازگشت بخار هستند. اگر سریع بنزین بزنید، مایع دیگری که وارد مخزن بنزین شما شده بخار می‌شود. این بخار مکیده شده وارد مخزن زیرزمینی می‌شود به طوری که وقتی شما بنزین می‌زنید، در واقع به آن میزان که دستگاه نشان می‌دهد، بنزین نزده‌اید.



فقط صبح زود که حرارت زمین هنوز در پایین‌ترین حد قرار دارد بنزین بزنید. به خاطر داشته باشید که در تمام پمپ بنزین‌ها مخزن سوخت در زیر زمین قرار دارد. هرچه زمین سردتر باشد، بنزین غلیظ‌تر و مترکم‌تر است. وقتی هوا گرم می‌شود بنزین منبسط می‌گردد. بنابر این، خرید بنزین در بعدازظهر و حتی شب که هنوز هوا کاملاً سرد نشده و بر بنزین اثر نگذاشته، سبب می‌شود که یک لیتر شما واقعا یک لیتر نباشد. در صنعت



حکایت تلخ

مرد فقیر و بقال

مرد فقیری بود که همسرش کره می‌ساخت و او آن را به یکی از بقالی‌های شهر می‌فروخت، آن زن کره‌ها را به صورت دایره‌های یک کیلویی می‌ساخت. مرد آن را به یکی از بقالی‌های شهر می‌فروخت و در مقابل مایحتاج خانه را می‌خرید.

روزی مرد بقال به اندازه کره‌ها شک کرد و تصمیم گرفت آنها را وزن کند. هنگامی که آنها را وزن کرد، اندازه هر کره ۹۰۰ گرم بود. او از مرد فقیر عصبانی شد و روز بعد به مرد فقیر گفت: دیگر از تو کره نمی‌خرم، تو کره را به عنوان یک کیلو به من می‌فروختی در حالی که وزن آن ۹۰۰ گرم است.

مرد فقیر ناراحت شد و سرش را پایین انداخت و گفت: ما وزنه ترازو نداریم و یک کیلو شکر از شما خریدیم و آن یک کیلو شکر را به عنوان وزنه قرار می‌دادیم.



به انتخابات نزدیک می‌شوید!

عمرانی کل استان و استان‌های مجاور را بار وانت پراید کند و به اینجا بیاورند جویگوی طرح‌های ماوراءالطبیعه و سوفسطایی برخی دوستان نیست! البته قول‌هایی مبنی بر این که «تمایند بهشم، دوستان همه رئیس میشن» هم که نقل این گونه جلسات است! کمی آن سوتر هم بازار انصاف و حمایت داغ است. یعنی هنوز نه به دار است نه به بار برخی چهره‌های سیاسی و غیرسیاسی که در بین ساکنان کوچه‌شان هم رای ندارند از انصاف در ادامه روند انتخابات سخن به میان می‌آورند! فقط یادمان باشد کاندیداتوری در انتخابات مجلس علاوه بر نیاز به داشتن شرایط اولیه نظیر تابعیت جمهوری اسلامی، مدرک تحصیلی، کارت پایان خدمت، شرط سنی، چند قطعه عکس، کپی کارت ملی و شناسنامه و... نیاز به مولفه‌های ثانویه دیگری نیز دارد. داشتن تجربه و سابقه مدیریت، سوابق اجرایی، خلاقیت و نوآوری، حسن شهرت، سواد اطلاعاتی، خداترسی، شهامت، عدالت و... هم از جمله مولفه‌هایی هستند که مردم هنگام رای دادن به آنها توجه دارند.

بنابراین دوستانی که به طوری جدی قصد ادامه کار را دارند فقط به داشتن کت و شلوار شیک اکتفا نکنند و به قول «فق معمولی» اگر فرصت کردند در لایای تفکرات عمیق و برنامه‌های اقتصادی‌شان، مولفه‌های ثانویه را نیز مد نظر قرار دهند!

دور و برش را با دقت بنگرد «بنرها زدیدار او بگذرد» آن هم در طرح‌ها و رنگ‌های مختلف... مثلاً یادتان باشد گفتیم مثلاً طرف به منظور کاندیداتوری مجلس، اگر خوشاوندان‌اش مدرسه غیرانتفاعی داشته باشند، عکس و اسم کاندیدای‌شان را به روش‌های مختلف روی همه بنرها و بیلبوردها چاپ می‌کنند و فقط کم مانده روی تابلوی مدرسه و دفتر مشق بچه‌ها اسمش را ببینیم! البته این همه ماجرا نیست بازار وعده و وعید کاندیداهای مجلس هم داغ است و یک عده وعده وعیدهایی می‌دهند که حتی آنتونیو گوترش پرتغالی دبیرکل سازمان ملل متحد هم در تبلیغات خودش جرات دادن چنین وعده‌هایی را ندارد.

از حل مشکل اشتغال و مسکن جوانان، بیکاری و گرانی، تورم و تلاش در جهت رفع تحریم‌ها گرفته تا پیگیری ساخت کارخانه، فرودگاه، جاده، مسجد، مدرسه، دور برگردان، بلوار، هایپر مارکت، مال، مگامال و... یعنی اگر بودجه



هرچند هنوز چندماهی به موعد انتخابات مجلس شورای اسلامی باقی مانده است ولی تبلیغات زیرپوستی و چراغ خاموش در ستادهای خانگی آغاز شده است و افرادی هم که دیر به خانه می‌آیند با جمله «رفته بودم جلسه» خود را از سین جیم و استنطاق همسران‌شان می‌رهانند! خداروشکر این روزها زن احساس تکلیف بخش اعظمی از افراد جامعه گل کرده و همه با کت و شلوار به استقبال انتخابات مجلس رفته‌اند و این چنین به نظر می‌رسد که این زن احساس تکلیف «جهان را ببخشید بر چار بهر/یکایک همه نامزد کرد شهر!»

جالب این که همه افرادی که قرار است در این وادی خود را محک بزنند - از معلم و روحانی و بازاری گرفته تا کارمند و معلم و استاد دانشگاه - کلهم اجمعین از میزان بالای رای خود حکایت می‌کنند.

در این بین نباید از نقش اساسی و تاثیرگذار بنر غافل شویم. البته منظور از بنر، سنجاب کارتون بنر ساخته یوشی هیرو کوردا در سال ۱۹۷۹ نیست. منظور از بنر و بیلبرد نوعی انتقال پیام تبلیغاتی است که طرح گرافیکی دارد و شامل تصاویر و متون است که الحمدالله در سال‌های اخیر عده‌ای خاص را به نان و نوا رساند و همچنان شورا حاضر نیست اطلاعات این واگذاری را به مردم بدهد!... بگذریم؛ اگر کسی

روایت تاریخ

زنایی که در کاشمر «دق» کردند!

می‌کردند. در شهر ما کاشمر، رئیس شهرنای وقت (همان که مدرس را شهید کرده بود، روی تپه مرتفعی در حاشیه شهر می‌ایستاد و با دوربین نگاه می‌کرد و تا از دور زنی را با چادر می‌دید به پاسبان‌ها دستور می‌داد با اسب بتازند و او را بگیرند و چادرش را پاره کنند چه بسیار زنایی که مأموران چادرشان را برداشتند و آنها از شدت غصه و ناراحتی دق کردند و مُردند. چه بسیار زنایی که از هول

در خاطرات صدرالاشراف آمده است: در اتوبوس زن با حجاب را راه نمی‌دادند و در معابر پاسبان‌ها از اهانت و کتک‌زدن به زن‌هایی که چادر داشتند با نهایت بی‌پروایی و بی‌رحمی فروگذار نمی‌کردند. حتی بعضی از مأمورین، زن‌هایی که پارچه روی سر انداخته بودند اگرچه چادر معمولی نبود، از سر آنها کشیده پارچه پاره می‌کردند و اگر زن فرار می‌کرد او را تا توی خانه‌اش تعقیب

سرش در می‌آید و به درک واصل می‌شود. هر پاسبانی که این عمل را انجام داد، عاقبت بدی پیدا کرد.

